

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم

دیداری از سوره
هنرهای معاصر
که شهیدان که اند این همه
خونین کفن



مادی بیشمار به سوی هنری گنگ و نارسا والکن روی
بیاورند. نتیجه چنین انگیزه‌ای در تاسیس موزه هنرهای
معاصر چیزی نبود مگر بیگانگی محض. روشن است که
چنین شکاف و خلأئی فرجامی جز شکست ندارد.

هنرهای تجسمی و به ویژه هنر نقاشی به دلیل آنکه
با عنصر کلام سرو کار ندارند در کار پیام‌آوری و ایجاد
ارتباط با مخاطبان دارای زبانی خاص می‌باشند. اما
کسانیکه به همین زبان یعنی زبان نقش و نگار و خط و
رنگ سخن می‌گویند بی‌گمان خود بر این نکته واقفند
که گاهی ارزش بیانی و تصویری یک تابلوی حتی
یک عکس از یک کتاب نیز افزونتر است. به همین
دلیل زبانشناسی هنر به ما می‌آموزد که به هنگام تکلم با
ادات و ابزار زبان نقاشی باید به اندازه کارکرد واژه‌ها و
کلمات متوجه ارزشها و پیامهای بصری و تصویری بود.
گروهی بر این گمان‌اند که هدف نقاشی همان خطوط
و رنگ آمیزیهای است که بر بوم نشسته است و این در
هنگام رو در روئی با بیننده است که می‌تواند از سوی
مخاطبان، هنرمتهد و یا هنر لاقید و لابلایی معرفی
گردد.

واقعیت این است که تعهد عهدی است که هنرمند
در قبال مردم دارد و به اعتبار این تعریف هدف نقاشی
حتی نه سیر به سوی جامعه که سیر الی الله است پس،
هنرمتهد نمی‌تواند نسبت به فضا و حس و حال و هوای
جامعه‌اش بی‌تفاوت باشد و شعار هنر برای هنر را بدهد.

در هنرهای نمایشی نیز گروهی می‌زانسن را همان
پیام می‌دانند. یعنی سبک و سیاق صحنه آرائی و
صحنه‌پردازی را پیام و کلام نمایش می‌دانند. به هر
تقدیر حکم محتوم این نوع از هنر سقوط و هبوط است.

موزه هنرهای معاصر پس از انقلاب اسلامی با
روشن‌بینی و وقوف بر چنین کمبودهایی بوده است که
در برنامه‌ریزی‌ش نخست به پاکسازی ظریف و نکته
سنجانه نقاشی معاصر ایران از هر چه بد و ناسره و مقلدانه
است اولویت داده و آنگاه به هنرمندان گمنام و
ناشناخته‌ای که در جو مسموم و آلوده هنرمند نمایان
بی‌فرهنگ مجالی برای عرضه و ارائه آثارشان نداشتند

● موزه هنرهای معاصر در دوران فعالیت‌های ۴ ساله‌اش
فراز و نشیب‌هایی طی کرده است که سرآخر به یک
برنامه‌ریزی اساسی و پذیرفتنی انجامیده است. تا پیش
از انقلاب اسلامی این موزه یکسره در خدمت صاحبان
زر و زور و تزویر بود. اینان با بینش غر بزه‌ای که تحفه
وره آورد فرهنگ منحن غرب بود می‌کوشیدند تا از موزه
پلی بسازند برای نمایش هنر غرب از سوئی و عرضه آثار
تجربیدی و صنعتی و خالی از جذب و شور نقاشان ایرانی
از سوی دیگر. به تبع از چنین هدف غیرموجهی بود که
نقاشان ایرانی نیز می‌کوشیدند تا با تظاهر به فهم هنر
مدرن و اولترامدرن و نیز برای بهره‌گیری از امکانات



پیشینه و سیرت مطالعات فرهنگی
در علوم انسانی

دیوید آثار و سیکولیزموس

پرداخته است. استمرار و تداوم این اهداف به اینجا انجامیده است که امروز موزه هنرهای معاصر را می توان موزه ای فعال و با جهت گیریهای درست مکتبی و هنری دانست. اگرچه موزه در آغاز این راه پرفراز و فرود چنانکه شایسته و بایسته عیار و ملاط هنر سنجان و نکته بینان است سختگیریهای لازم را نمی نمود اما می دانست که «سرزنشها گر کند خار مغیلان غم مخور».

و چنین است که امروز می توان با صراحت موزه هنرهای معاصر را موزه ای موفق و با کارنامه ای مقبول طبع صاحبان ذوق و اندیشه دانست. موزه هنرهای معاصر در برنامه های سالیانه خود توجه به سه محور دارد:

— ارائه شکل‌های نو و خلاق هنر نشأت گرفته از فرهنگ اسلامی و انقلاب اسلامی.

— هنر معاصر در ارتباط با مسائل نو و شکل تازه ارزشهای جاری در اجتماع و بالاخره شناخت و معرفی چهره های بالفعل و موثر در شکل گیری تاریخ هنری جمهوری اسلامی ایران.

* * *

در نمایشگاه فعلی موزه آثاری از هنرمندان: مافی، محمدرضا نادری، محمود زنگنه، ترقی جاه، طاهره فراست، محمد زمان فراست، هنرجویان هنرهای تجسمی مشهد، حسین محجوبی، ملیح ناصری، شهید مجید بهرامی و هنرجویان مدرسه هنر و ادبیات کودکان و نوجوانان وابسته به صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران به نمایش گذارده شده است.

آثار رضا مافی در سالگرد رحیل غمگنانه اش در اوج پختگی و مهارت است. کرسی بندی سیاه مشق های نستعلیق اش چنان به قاعده و اسلوب است که حتی کلمه ای را نمی توان حذف یا حتی جا به جا کرد و این همان مرز بلوغ و بلاغت و فصاحت است که هر هنرمند و هنر دوستی روزی آرزوی رسیدن به آن را دارد. جا پاهای اساتید مافی از قبیل کلهر و میرعماد و خاصه میرزا غلامرضا در این نمایشگاه مشهود است. مافی اگر چه نزد خبرگان و خواص تعلیم یافته اما با پشتکار و ذوق

نوجویانه و بدعتگزارش توانسته به استقلال برسد. مافی در چوب بریها و گنج بریهایش نیز موفق است. در این سری از تابلوهای مافی، آزادی مطلق و بی قید و شرط نقاش در بهره از رنگ سخت چشمگیر است. آبی و عنابی و یشمی و سرخ گلگون و تفتیده رنگهایی است که در پس زمینه خطوط به کار رفته است و البته قهوه ای که زمانی رنگ معرف نقاش بود و او در برهه ای از کارهایش به وسوسه ای قدیمی که همان یک دوره کار با این رنگ است پاسخ می دهد.

از میان موفق ترین نستعلیقهای مافی می توان به تابلوهایی با این بیت الغزلها اشاره کرد: آزادی اگر می طلبی غرقه به خون باش یا فاش می گویم و از گفته خمد دلشادم/ بنده عشقم و از هر دو جهان آزادم یا مژده وصل تو کو کز سرجان برخیزم و یا دست و پا کردم بسی چون موج در دریای عشق/ هر چه خواهی داشت این دریا ولی ساحل نداشت.

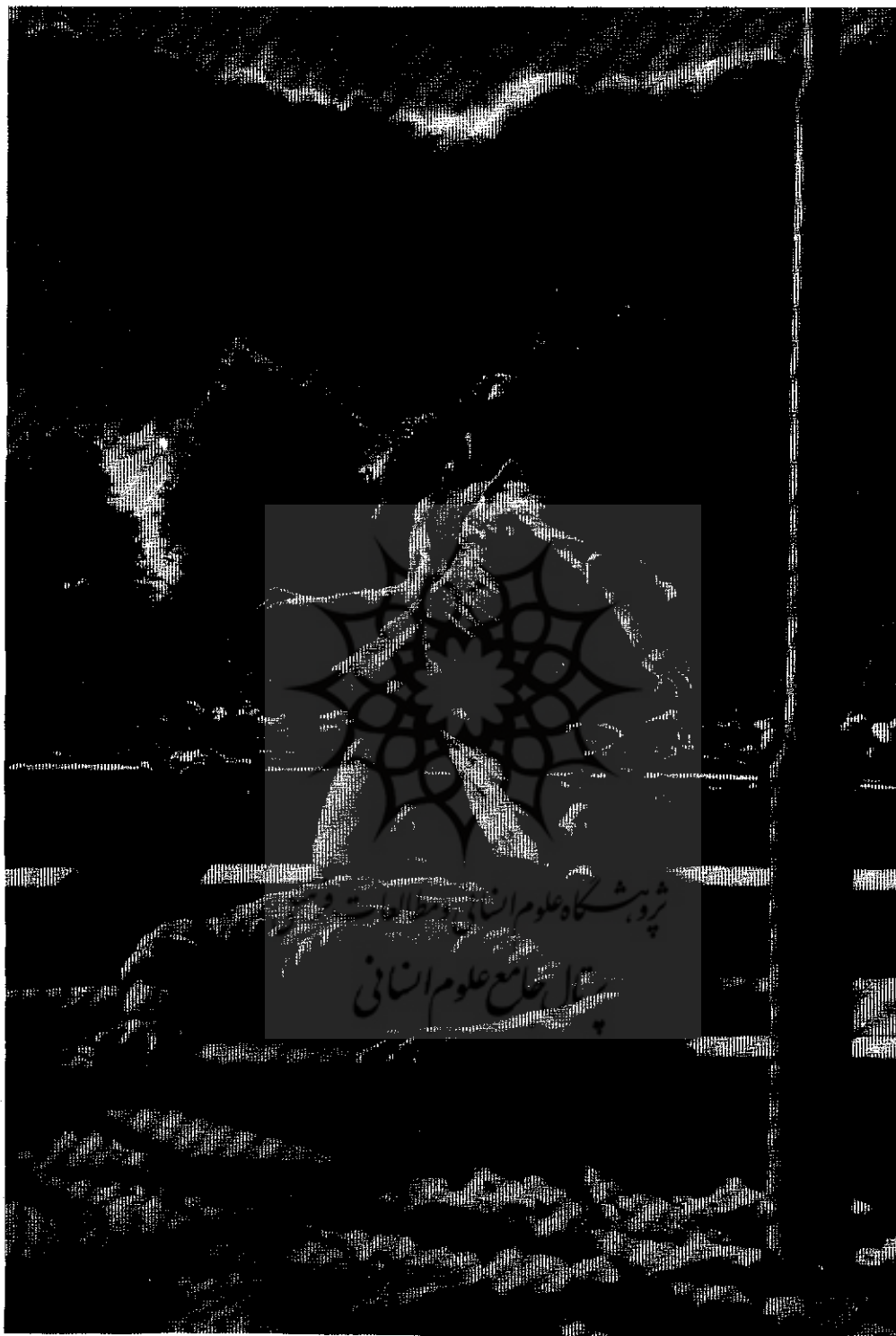
عکسهای محمد رضا نادری از کندو جان دیدنی و جالب است. عکاس با مشی و بینش معمارانه اش توانسته زاویه های دور بین اش را بر خطه ای خیال انگیز بگشاید: کند و جان با خانه های صخره ای و شگفتیهایی از طبیعت این خاک پاک. بی گمان عکسهای کند و جان در شمار کامیاب ترین نمایشگاههای موزه در این چهار سال اخیر است. عکسهایی با هویت و دارای شناختنامه و عکاسی متعدد و مسلط. کند و جان در ۵۵ کیلومتری جنوب تبریز و در دامنه های پرفرکت کوههای سهند قرار دارد. این منطقه در تبریز و پس از شهرستان اسکو و طی یکساعت راه دشوار و کوهستانی می باشد. خانه های صخره ای کند و جان از غرب به شرق ساخته شده و ارتفاع این خانه ها که بر رودخانه مجاوز در جنوب مشرف است بالغ بر سیصد متر است. زبان مردم کند و جان ترکی آذربایجانی بوده و کمتر قادر به تکلم فارسی می باشند. مذهب مردم آن شیعه اثنی عشری است. نکته گفتنی اینکه شبیه این شگفتی معماری صخره ای و طبیعت در منطقه «واردزیا» در شوروی و «گورمه» ترکیه و «میمند» کرمان نیز وجود



شهید مجید بهرامی



محمد صراف زاده



دارد. کندو جان را کندوان نیز می نامند. مردم کندو جان از بین شکاف کرانه ها برای کوجه ها و از برآمدگی جهت خشک کردن فضولات گاو و از شیارها جهت راه پله ها استفاده می کنند. پلان و مقطع مسجد کند و جان به وسیله عکاس هنرمند ترسیم شده است.

در هر حال می توان از جاذبه های توریستی این منطقه به گونه ای معقول و منطقی بهره گرفت و موجبات خارج شدن این منطقه از انزوا را فراهم ساخت.

محمود زنگنه نقاش روستاست. او چنان دلبسته و دلباخته روستاست که حتی راه پیمائیها و صحنه های انقلاب اسلامی را نیز در روستا به تصویر درآورده است. فضای عاطفی و صمیمی روستا با تمامیت مهر و علقه و علاقه ای که روستائیان به سادگی و بی آلاچی و صفای زندگی دارند در کارهای زنگنه بازتابی آشکار دارد. این نقاش پرکار و قدیمی از نان دان و کندو و دولابه و درب کلون دار تا گیوه دوزی و اسباب و اشیاء خانه روستائی مانند گنجه را با استادی و تسلط نقاشی کرده است. تابلوهای بهشت زهرا و مهمانخانه سر راه و روضه خوانی در منزل زنگنه از یاد نرفتنی اند.

پیش از این کارهای مرتضی نجات در همین موزه و در فرهنگسرای نیاوران به نمایش گذارده شده بود. این بار با کارهای تازه تر این هنرمند معلول روبرو هستیم. نجات نقاشی است که در برداشتهای صریحش از استکبار و استعمار اصرار دارد. او بدون دلمشغولی به فنون و ریزه کاریهای نقاشی می کوشد تا پیام انسان دوستانه اش را در قالب خط و رنگ و روغن اعلام کند. موضع گیری نجات در افشاگری علیه اذتاب ظلم و جور و تطاول آنگونه است که هر بیننده ای را با نجات همدرد می کند. این نقاش با دگرگونیهای کاریکاتور گونه ای که در چهره ها به وجود می آورد و نیز با بزرگنمائیها و اغراقهای هنرمندانه و به حشش در تصاویر، در قلمرو کاریکاتور نیز می تواند کارها بیافریند. وی در نقاشی رنگ و روغن با تصریح و تاکید برخاستگاه اسلامی و انسانی اش می کوشد تا تصویرگر غایت و نهایت مظلومه ای باشد که از خون هایبیل تا شهدای انقلاب

اسلامی استمرار داشته است.

عکسهای صیامی از انسان و طبیعت سخت آگاه کننده است. عکاس سیر تهیه فرش از پرورش گوسفند تا پدید آمدن نقوش چشم نواز قالی را به شکل مستند مرحله به مرحله به تصویر می کشد و هماهنگی انسان و طبیعت را در طرحهای قالی مصور می سازد. این عکسها در میان نمایشگاههای عکسی که موزه تاکنون عرضه کرده مکانی خاص می یابند که هم موضوع و مضمون عکسها تازه است و هم عکاس ماهر و مسلط.

کارهای آبرنگ و رنگ و روغن ترقی جاه پیش از این نیز در همین موزه و نیز در تالار وحدت به نمایش در آمده بود. ترقی جاه نقاشی «هیپر رئالیست» است و می کوشد تا با طبیعت سازی و عینی گرائی کارهایی اصیل بیافریند. کوششهای ترقی جاه در راه دستیابی به سبکی و یژه و خاص قرین با توفیق بوده است. وی در کارهای آبرنگ و گواش و رنگ و روغن و آب مرکب روی مقوا ترکیب بندیهای دقیق و حساب شده می سازد. ترقی جاه با الهام از انقلاب اسلامی که منشا و مبداء جاودانه و تمام ناشدنی برای باز آفرینی هنرهای تجسمی و از جمله نقاشی است یک رشته تابلو به وجود آورده که در آخرین تحلیل جملگی شان موفق اند و این کامیابی بیشتر مدیون طراحی و رنگ آمیزی نقاش است.

طاهره فراس است دانشجوی رشته نقاشی دانشگاه هنر است و از انجمن خوشنویسان موفق به اخذ درجه ممتاز شده است. پدر این خطاط هنرمند محمد زمان فراس است که او نیز از همین انجمن درجه ممتاز گرفته و در کنار فرزندش نمایشگاهی مشترک برگزار کرده است. نستعلیق ها و شکسته های فراسها در خور ستایش است. اساساً موزه هنرهای معاصر یکی از وظایف هنرپیش را پیگیری در معرفی خطاطان وابسته به انجمن خوشنویسان به شمار آورده است. دیده در دست و اندیشه سازنده چنین تفکری باعث شده تا بیننده با فعالیتهای بیشمار این انجمن که در گذشته به آن بی مهری هائی شده بود آشنا گردد. پیشنهاد



پژوهش‌های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
مجله علمی و پژوهشی

اکبر آون



دل‌زنده

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي
خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ
وَالَّذِي جَعَلَ مِنَ
النَّارِ سِرًّا وَالَّذِي
جَعَلَ مِنَ الْحَدِيدِ
سَلَامًا وَالَّذِي
جَعَلَ مِنَ الْوَسْمِ
سَبْغًا وَالَّذِي
جَعَلَ مِنَ الْبَطْنِ
سَكْرًا وَالَّذِي
جَعَلَ مِنَ الْبَطْنِ
سَكْرًا وَالَّذِي
جَعَلَ مِنَ الْبَطْنِ
سَكْرًا

رضا مافی

۱۴۵۰

ما به انجمن این است که در جنب معرفی چهره‌های با ذوق و خوشنویس به کار دیوارنگاری هم نگاهی از راه لطف بیاندازد که بی تردید دیوارها پیام آوران انقلاب اسلامی اند و سهم عمده‌ای از نضج و تکوین و تکامل انقلاب اسلامی مدیون شعارهایی است که ملت مسلمان ایران بر دیوارها نگاشت. انجمن می‌تواند با تدقیق در یک برنامه‌ریزی حساب شده نمایشگاهی از آثار هنرمندانی که وظیفه‌شان دیوارنویسی و پارچه‌نویسی و کار با «شابلون» است ترتیب بدهد. بی تردید این نمایشگاه در شمار کارهای خوب انجمن محسوب خواهد شد. به هر تقدیر امروز انجمن خوشنویسان به همت یاران خوشنویس و با همت اش از قلم تا قدم در مطرح ساختن تاریخ خطاطی معاصر نقشی مهم و اساسی داشته است.

هنرجویان مرکز هنرهای تجسمی مشهد برادران: سعید خاتمی، حمید خوشخو، صباح صدر زمانی، مهدی نعیمی و خواهران: مهناز طهماسبی، ناهید کشتی‌دار، زهره جهانپور و شهین آسائی آثارشان را که فی الجمله از لحظه‌های شکوهمند انقلاب اسلامی مایه و پایه گرفته است به نمایش گذارده‌اند. از پیروزی انقلاب اسلامی تا وحدت تستن و تشیع مضمونهائی است که این هنرجویان بر بوم نقاشی آورده‌اند. در میان این کارها باید از کار درخشان صباح صدر زمانی در تابلوی ۸ شهریور یاد کرد: *مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ*. نامه‌ای از جبهه و رزم آوران اسلام کار مهناز طهماسبی، پاسداران اسلام کار حمید خوشخو، عاشقان شهادت اثر ناهید کشتی‌دار و جهاد در راه الله اثر سعید خاتمی در شمار تک کارهای خوب و موفق این نمایشگاه است. کار مرکز هنرهای تجسمی شهرستانها در ایجاد امکانات از رنگ و قلم مو گرفته تا نمایش عمومی آثار در موزه در مقابل این نگرش و بینش پر محتوا و استحکام یافته از مکتب اسلام که در تابلوها نمودی آشکار دارد می‌بایست گسترش و تعمیق یابد. کار هنرجویان مرکز مشهد نیز همانند کار هنرجویان مرکز قزوین مملو و مالا مال از عشق و شوریدگی است: عشق





جلال آل احمد اثر: بہروز گلزاری

به شهادت و ایثار و جهاد. تابلوهای پیروزی، شهادت، عاشقان کربلا، تشییع جنازه یک شهید اسلام و به خصوص دو تابلوی بهشت زهرا و نبرد تا نابودی استکبار شرق و غرب که ساخته دست و دید ناهید کشتی دار و مهدی نعیمی است در شمار سایر آثار هنرجویان مرکز مشهد است. طراحی و ترکیب بندی تابلوهای ناهید کشتی دار که در عین افت و افولهایی در تحلیل آخر قوت و قدرتها ی آکادمیک دارند قابل ذکر و یادآوری است. ما امیدواریم که این هنرجویان با توجه به یکی از ویژگیهای انقلاب اسلامی ایران که همان شتاب و سرعت تکوینی و تکاملی اش هست در کار با رنگ و روغن موفقیت‌هایی بیش از اینها داشته باشند که دیگر نبایست برای پرورش یک نقاش هنرمند ۱۰ سال مثلاً تجربه کرد و تجربه اندوخت بلکه باید در مدتی کوتاه‌تر چنین راه هر چند طویل پیموده شود تا انقلاب اسلامی بتواند از هنرمندانش در راه آوازه‌گری و اعتلای اسلام عزیز به موقع و به جا یاری بگیرد.

کار هنرجویان مدرسه هنر و ادبیات کودکان و نوجوانان وابسته به صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران بیانگر این نکته است که چنین طرز تلقی و برداشتی از هنر انقلاب پرت و نابجا نیست. این هنرجویان با شرکت در کلاسهای ۶ الی ۱۸ ماهه تابلوهایی به مراتب پخته‌تر و جا افتاده‌تر از تجربه اندکشان آفریده‌اند. این مدرسه از ابتدای سال ۶۰ شروع به کار کرده و همه ساله در بخش آموزش هنرجویانی در رشته‌های ادبیات (قصه‌نویسی و شعر) طراحی و نقاشی - تئاتر زنده، نمایش عروسکی، خوشنویسی و سرود می‌پذیرد.

هنرجویانی که از دانش‌آموزان مدارس هستند در ساعات آزاد خود در این کلاسها شرکت می‌کنند. نمایشگاه مجموعه آثار هنرجویان رشته طراحی و نقاشی این مدرسه است. در میان کارهای این هنرجویان طراحیها و طبیعت بی‌جانهای بهناز لشگری، محمد تقی جلیلی، آزاده ضیائی و مهرداد ایرانفر قابل ذکر و یادآوری است. رو بهمرفته آثار هنرجویان این مدرسه نوید بخش آینده‌ای کامیاب است و آفاق دستیابی به

هنری متعدد و در عین حال استوار و نشات گرفته از اصول و مبانی نقاشی از هم اینک پیدا است.

طرح‌های شهید مجید بهرامی بی‌گمان نقطه عطفی است در تاریخ چهار ساله بازگشایی موزه هنرهای معاصر. شهید مجید بهرامی هنرجوی هنرستان امین الدوله در تاریخ ۶۱/۷/۱۲ در جبهه سومار به درجه رفیع شهادت نائل می‌آید و به لقاء الله می‌پیوندد. طراحیهای شهید بهرامی حکایت از هنرمندی پرتوان و تلاشگر دارد. هنرمندی که به رغم طراحیها و چهره‌نگاری مقتدرانه و استادانه‌اش به هنر محض و نواب بس نمی‌کند و شهادت، این والاترین هنرها را به مصاف می‌خواند. آثار پرتیره شهید بهرامی از شهید آیت الله سعیدی، شهید مظلوم آیت الله بهشتی، شهید مصطفی چمران و آیت الله منتظری نمایش دهنده قلم و بوم خادم و خدمتگزار وی است. لیک روح پر تلاطم وی چنان نبود که به اندک اکتفا و به تصویر کردن چهره آن عزیزان شهید بسنده کند. او علی‌رغم جوان بودنش در حیطه کار خود پیری پرتجربه می‌نمود. زیرا او محقق متجسس و متجسسی متخصص بود و با این اوصاف اگر نگوئیم تنها امید که یکی از امیدهای هنری این آب و خاک بود و ماهر آنچه در مورد این عزیز بگوئیم دور از واقعیت نخواهد بود زیرا تجربیات گونه‌گون او اعم از طراحی با انواع و اقسام مداد، قلم، گچ، ذغال و غیره و همچنین آبرنگ و رنگ و روغن که هر کدام را بر روی کاغذهای متنوع و مقواهای گوناگون تصویر نموده است و نیز تنوع موضوع از طبیعت بیجان گرفته تا انسان و موجودات دیگر همه گواه و شاهد هنر اوست اما آن عزیز برفت و ما را نشاید که وصف حالش کنیم که تنها نشان وی کتاب از شکاف سینه است که پس از شهادتش به چاپ رسیده و اکنون نزد ما این یادآور خاطرات دیرین را به امانت گذارد.

ملیح ناصری از شاگردان استاد محمود فرشچیان و استاد اسلامیان است او منیت کاری را نزد زابلی، میرطیپی و حسین پورآمخته است. کارهای تشعیر و تذهیب او حکایت از هنرمندی صاحب سبک و آشنا برفن و ظرایف و دقایق این هنر اصیل و سنتی اسلامی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رساله جامع علوم انسانی



تذهیب

نیرومند و قرون نهم و دهم ه. ق ظریف و تزئینی و تجملی است. در بسیاری از کتابهای تذهیب شده تاریخ کتابت آنها آمده است و این مرتحقیق در باره تسلسل تاریخی این هنر را آسان می سازد. به این ترتیب هنر تذهیب را می توان نموداری از تحولات هنر تزئینی ایران دانست. امروزه همراه با رواج صنعت چاپ هنر تذهیب کتاب کم و بیش منسوخ شده است. تنها مینیاتور سازان تهران و اصفهان گاه حاشیه تصاویر خود را با استفاده از این هنر آرایش می دهند. هنر تذهیب کتاب در چین و ژاپن و برخی دیگر از کشورهای مشرق سوابقی باستانی دارد و نیز کتابها و گاهنامه های تذهیب شده بسیار از ارو پای قرون وسطی به جا مانده است.

ملیح ناصری در کار با طلا و آبرنگ مهارتی خاص از خود نشان می دهد. وترنج های دایره های بزرگ و کوچک و اسلیمی و تذهیب این هنرمند بسیار دیدنی و از لحاظ کاربرد این هنر ظریف و دقیق آموزنده است.

آثار حسین محجوبی نقاش با سابقه و پرکار و قدیمی نیز در گالریهای موزه هنرهای معاصر به نمایش درآمده است. محجوبی با همان خطوط ظریف و نجیب اش منظره هائی از طبیعت بکر گیلان را به تصویر درآورده است او حتی از ادبیات ایران باستان نیز الهام گرفته است: تیشتر سمبل خرمی و زیبایی زمین، و اسبها که در شمار نشانه های مدام و جاودانه محجوبی قرار دارند و چه زیبا و شکوهمند است تابلوی حرکت و زندگی او. در این تابلوها اسبهای محجوبی بر خلاف اسبهای مارک شاگال، در حال حرکت و جوشش و جهش اند. خانه های سفالی تلاش برای نابودی در زمین و عوارض زندگی ماشینی در شمار آثار به یادماندنی این هنرمند پرتوان است. و چه زیباست این طنز صریح و در عین حال زیرکانه که جای انبوه ژرف و هزار توی جنگل را برشهای هندسی سنگ و سیمان یعنی آسمانخراشها گرفته اند و محجوبی چه استادانه این هیاکل را تصویر می کند تو گوئی این دکل های سر به فلک کشیده نیز سرنوشت محتوم انسان این قرن است.

دارد. در میان تابلوهایش تذهیب و تشعیر حاشیه ظریف همراه خط آقای امیر خانی دیدنی است تشعیر چیست؟ تشعیر سازی یا تشعیر اندازی نوعی تزئین نسخ خطی است که در حاشیه نسخ یا مرقعات و معمولاً با طلا می شود. نقوش تشعیر سازی خطوط غیر منظم است که گاه تصاویر جانوران و بیشتر طيور نیز در آنها هست. اما تذهیب هنر تزئین صفحات کتابهای خطی است همراه با اعتلای فرهنگ اسلامی در ایران کتابهای خطی بسیار نوشته شد کتابخوانی و کتاب دوستی رواجی عظیم یافت. دانشوران و نیز بزرگان کتابخانه ها بر پا داشتند، هنر کتاب سازی ارج فراوان یافت و به همراه آن هنر تذهیب پیشرفت بسیار کرد. صفحات قرآنها و کتابهای نفیس را با رنگهای گوناگون و طلا تزئین می کردند و برای این کار از گل و بته ها و طرحهای گوناگون استیل ایرانی استفاده می نمودند. سر لوحه کتاب را که چون مدخل می بایست خواننده را به سوی متن کتاب راهبر بشود با تفصیل و دقت بیشتری می آراستند. تذهیب کاری های قرن چهارم ه. ق ساده و بی پیرایه و قرون پنجم و ششم متین و منسجم و قرن هشتم پر شکوه و